



سرشناسه: میهن دوست، رضا، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور: الگوریتم دانش اصول فقه (دوره عمومی) / نویسندگان: رضا میهن دوست و سیدمحمدباقر قدمی؛
با حمایت موسسه پژوهشی دانشوران؛ ویراستار مهدی قاسمی.
مشخصات نشر: مشهد: حوزه علمیه خراسان، انتشارات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۳۲۰ص، جدول (نمودار).
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۶-۶۶-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۱۷ - ۳۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: اصول فقه
شناسه افزوده: قدیمی، سیدمحمدباقر، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده: موسسه پژوهشی دانشوران
شناسه افزوده: انتشارات حوزه علمیه خراسان.
رده بندی کنگره: BP۱۵۵
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۴۱۵۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

الگوریتم دانش اصول فقه

عنوان کتاب: الگوریتم دانش اصول فقه
نویسندگان: رضا میهن دوست و سید محمدباقر قدمی
با حمایت: موسسه پژوهشی دانشوران
ناشر: انتشارات حوزه علمیه خراسان
طراح جلد: رضا نبی زاده
ویراستار: مهدی قاسمی
صفحه آرا: محسن دستانی
قطع: وزیری
چاپ اول: تابستان سال ۱۴۰۰
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۲۶-۶۶-۸
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک اثر متعلق به انتشارات حوزه علمیه خراسان است.

دفتر نشر: مشهد مقدس، خیابان شهید نواب صفوی، بلوار شهید شوشتری، شوشتری ۷، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان، معاونت

پژوهش حوزه- تلفن: ۰۵۱۳۲۰۰۸۱۶۵

فروشگاه: مشهد مقدس، خیابان امام خمینی علیه السلام، بین امام خمینی ۳۴-۳۲ تلفن: ۰۵۱۳۲۰۰۸۶۰۹-۰۵۱۳۲۰۰۸۶۱۴

با تشکر و قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشتند:

- معاون پژوهش حوزه علمیه خراسان: حسین کندری
- مدیریت و دست‌اندرکاران موسسه پژوهشی دانشوران
- اداره چاپ و نشر: احمدرضا قوامی دربندی؛ نمونه خوان: محمدرضا جابری نیا
ناظر فنی چاپ: سید لطف الله خادم؛

مدیر انتشارات حوزه علمیه خراسان

هادی حصاری

سخن ناشر

به نام خدا

همراه با تحولات و اقتضائات دنیای معاصر، به روز بودن و پاسخگویی حوزه‌های علمیه در جنبه‌های مختلف زندگانی بشر، بسیار ضروری می‌نماید و همان‌گونه که معمار کبیر انقلاب امام خمینی علیه‌السلام بر آن تأکید داشتند که «من معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم» این مهم از فقه جواهری انتظار می‌رود.

این میراث ارزشمند، سالیان متمادی بعد از غیبت کبرا با تلاش ارزشمند فقیهان به دست آمده است که با دقت در به دست آوردن منابع و فراهم ساختن قواعد برای فهمی صائب همراه بوده است.

استنباط احکام شرعی از منابع به جهت برخورداری از دقت لازم و سهولت، علاوه بر قواعد استنباط، به روش استنباط نیز نیازمند است. تمامی این عوامل علاوه بر اینکه استنباط را ضابطه‌مند می‌کنند، اجتهاد در ساحت‌های نوظهور را نیز سهل می‌سازند. روش استنباط، نقشه راه مجتهد از نقطه آغاز تا فرجام کار- را ترسیم می‌کند و الزامات هر وضعیت و نیازمندی‌ها و انتظارات آن را روشن می‌سازد و او را به ادامه مسیر و اقدامات موردنیاز آگاه می‌کند.

این اثر ارزشمند به اذعان مؤلفان سعی کرده است نمونه‌ای برای شناسایی فرآیند استنباط، در اختیار دانش‌پژوهان اصولی قرار دهد تا به آن‌ها در فهم بهتر مسائل علم اصول و نقش و ارتباط مسائل با یکدیگر و به‌کارگیری در استنباط، کمک کند.

انتشارات حوزه علمیه خراسان بر خود فرض می‌داند از تلاش‌های ارزشمند مؤلفان محترم و مسئولان مؤسسه علمی پژوهشی «دانش‌وران» که آغازگران حرکتی مبارک می‌باشند، تشکر و قدردانی نماید و از بذل توجهات مدیر حوزه علمیه خراسان حضرت آیت‌الله سید مصباح عاملی (دام عزه) نسبت به چاپ و نشر آثار ارزشمند اساتید و پژوهشگران تشکر ویژه نماید.

در پایان از همه همکارانی که در تهیه و تدوین این اثر، با دقت و حساسیت و نیز صراحت و احساس تعهد و مسئولیت، همت ورزیده‌اند، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود و از اساتید و پژوهشگران ارجمند عرصه فقه و اصول دعوت می‌گردد با ارائه پیشنهادهای سازنده خود و یادآوری کاستی‌های احتمالی، انتشارات حوزه علمیه خراسان را در ارائه آثار بهتر یاری‌رسان باشند.

انتشارات حوزه علمیه خراسان

تابستان سال ۱۴۰۰ ه.ش

مصادف با محرم الحرام سال ۱۴۴۳ ه.ق

فهرست

۱۱	پیش درآمد
۱۵	درآمد
۱۶	پیشینه
۱۷	ساختار کتاب
۱۸	ویژگی‌های این اثر



۲۱	بخش اول: کلیات
۲۲	فصل اول: مفهوم‌شناسی و ضرورت الگوریتم
۲۳	۱-۱- اصول‌فقه و ضرورت طراحی الگوریتم
۲۵	۲-۱- الگوریتم چیست؟
۲۵	۳-۱- عوامل عدم شفافیت در الگوریتم اصولی
۲۷	۴-۱- فواید تبیین الگوریتم‌وار استنباط

۲۹ فصل دوم: پیش نیازها
۳۰ ۱-۲- تعریف حکم
۳۰ ۲-۲- اقسام حکم
۳۳ ۲-۲- اقسام حکم تکلیفی
۳۴ ۳-۲- اجزای جعل شرعی
۳۶ ۴-۲- مراتب حکم
۳۹ فصل سوم: روند کلی استنباط فقهی



۴۹ بخش دوم: فرایند تفصیلی استنباط
۵۰ فصل اول: مسئله شناسی (تعیین اولیه مسئله)
۵۶ فصل دوم: دلیل شناسی (احراز دلیل)
۷۰ فصل سوم: بررسی حکم در مرتبه جعل
۷۱ مدلول شناسی
۷۱ بررسی مدلول انفرادی
۷۵ دلیل شرعی لفظی
۷۶ الف: مباحث مشترک
۷۸ بررسی دلالت مطابقی

۷۹ بررسی اصل معنای مراد
۸۸ بررسی دائره شمولى معنای مراد
۸۹ تناسب حکم و موضوع
۹۰ تنقیح مناط و تعلیل
۹۱ الغای خصوصیت
۹۲ عام و خاص
۹۲ عموم
۹۲ ادات عموم
۹۵ تخصیص
۹۶ تخصیص به مخصّص متصل
۱۱۲ بررسی دلالت التزامی و لوازم عقلی و عادى
۱۱۸ ب: مباحث اختصاصی
۱۱۹ بررسی الفاظ دالّ بر موضوع
۱۲۷ بررسی الفاظ دالّ بر متعلّق
۱۳۲ بررسی الفاظ دالّ بر حکم و قیود آن
۱۳۴ بررسی منطوق الفاظ دالّ بر حکم
۱۳۴ بررسی وجوب
۱۳۵ بررسی الفاظ دالّ بر وجوب
۱۵۰ تعیین نوع واجب
۱۶۲ بررسی حرمت
۱۶۳ بررسی الفاظ دالّ بر حرمت
۱۷۲ تعیین نوع حرام

- ۱۷۷ بررسی قیود حکم و مفهوم آنها
- ۱۹۱ قرینه خاص بر مفهوم
- ۱۹۶ دلیل شرعی غیرلفظی
- ۱۹۸ فعل معصوم عنه
- ۱۹۹ بررسی دلالت فعل معصوم عنه بر حکم شرعی
- ۱۹۹ تعیین موضوع و متعلق حکم
- ۲۰۴ تقریر معصوم عنه
- ۲۰۵ بررسی شرایط دلالت تقریر معصوم عنه بر حکم شرعی
- ۲۰۶ بررسی دلالت تقریر معصوم عنه بر حکم شرعی
- ۲۰۶ تعیین موضوع و متعلق حکم
- ۲۰۹ سیره
- ۲۱۰ بررسی دلالت سیره بر حکم شرعی
- ۲۱۱ تعیین موضوع و متعلق حکم
- ۲۱۴ اجماع
- ۲۱۵ بررسی دلالت اجماع بر حکم شرعی
- ۲۱۵ تعیین موضوع و متعلق حکم
- ۲۱۸ دلیل عقلی
- ۲۱۹ بررسی دلالت دلیل عقلی بر حکم شرعی
- ۲۱۹ تعیین موضوع و متعلق حکم
- ۲۲۲ نتیجه گیری و جمع بندی مدالیل انفرادی
- ۲۲۵ مقدمات حکمت

۲۲۶	عدم تمامیت مقدمات حکمت
۲۲۷	اطلاق مقامی
۲۳۴	بررسی مدلولِ جمعی
۲۳۶	نسخ
۲۳۷	ورود
۲۳۷	حکومت
۲۳۸	تقدیم نص یا اظهر بر ظاهر
۲۳۹	عام و خاص
۲۳۹	تخصیص به مخصّص منفصل
۲۳۹	بررسی اقتضاء تخصیص
۲۴۲	بررسی موانع تخصیص
۲۴۳	اجمال مخصّص
۲۴۵	مطلق و مقید
۲۵۰	بررسی تعارض ادله
۲۵۷	فصل چهارم: بررسی حکم در مرتبه فعلیت
۲۵۹	اقتضای فعلیت
۲۶۶	موانع فعلیت
۲۶۸	بررسی تراحم احکام
۲۶۹	موارد اهمّ بودن یکی از دو تکلیف
۲۷۲	تساوی دو تکلیف

۲۷۶ فصل پنجم: بررسی حکم در مرتبه تنجّز
۲۸۰ تنجّز تکلیف در صورت عدم کشفِ خلاف
۲۸۱ علم به حکم شرعی
۲۸۱ ظن به حکم شرعی
۲۸۲ جهل به حکم شرعی
۲۸۳ حکم ظاهری (اصول عملی)
۲۸۶ ارکان و شرایط استصحاب
۲۹۱ برائت شرعی
۲۹۱ احتیاط
۲۹۳ انحلال علم اجمالی
۲۹۴ تخییر
۲۹۸ تنجّز تکلیف در صورت کشف خلاف (مسئله اجزاء)
۲۹۹ کشف خلاف با یقین
۳۰۰ کشف خلاف با اماره معتبر
۳۰۶ مسقطات حکم
۳۱۲ فهرست شکل‌ها و فلوجارت‌ها
۳۱۵ منابع

پیش درآمد

به نام خدا

استنباط احکام شرعی از منابع به جهت برخورداری از دقت لازم و سهولت مورد انتظار، علاوه بر قواعد استنباط، به روش استنباط نیز نیازمند است. این دو امر نه تنها عملیات استنباط را ضابطه‌مند می‌کند و به آن اعتبار می‌بخشد؛ بلکه شناسایی احکام شرعی در ساحت‌های نوظهور را نیز ممکن می‌سازد.

چنان‌که استنباط احکام شرعی بدون شناسایی قواعد استنباط منجر به استنادهای ناروا و برداشت‌های سلیقه‌ای و بی‌ضابطه از دین می‌شود و دسترسی به احکام الهی در موضوعات نوپدید را ناممکن می‌سازد، همچنین استنباط احکام شرعی بدون شناسایی روش استنباط نیز موجب طولانی شدن این عملیات با خطای فراوان‌تر و دشواری بیشتر خواهد شد. علم اصول به‌خوبی عهده‌دار شناسایی، تحلیل و ارزیابی قواعد استنباط بوده و در طول سالیان متمادی توسعه و تعمیق شایسته‌ای در این قواعد ایجاد کرده است؛ با این حال در راستای شناسایی

روش استنباط، بررسی و تنقیح شایسته‌ای صورت نگرفته است. به عبارت دیگر، گرچه در ارتباط با روش استنباط کم‌و‌بیش مطالب سودمندی در علم اصول دیده می‌شود و فقهای بزرگوار نیز در برخی از مباحث فقهی به نکات روشی استنباط اشاره داشته‌اند؛ اما به جهت پراکندگی و نداشتن انسجام، جبران این خلأ، ضروری به نظر می‌رسد.

چنان‌که می‌دانیم روش استنباط به چگونگی استفاده از قواعد استنباط و شناسایی روند آن به صورت کامل و روش‌های گوناگون کاربردی و اختلاف مباحث در به‌کارگیری روش‌ها می‌پردازد.

مقصود از روش استنباط، روش تحلیل مسائل علم اصول نیست که خود جای بحث مستقلی دارد؛ چنان‌که مقصود از آن، مهارت استفاده از قواعد اصولی در استنباط فقهی نیز نیست؛ بلکه مقصود، شیوه و فرایندی است که می‌تواند ما را در زمان کمتر و با دقت بیشتر به حکم شرعی برساند.

بنابراین می‌توان گفت روش استنباط به بررسی موضوعات زیر می‌پردازد:

وحدت و یا تعدد روش استنباط؛

تأثیر تفاوت مسائل فقهی در روش استنباط؛

شناسایی مراحل استنباط احکام شرعی از آغاز تا پایان؛

اقدامات لازم در هر مرحله؛

انتقال از هر مرحله به مرحله دیگر و صورت‌های این انتقال؛

تحصیل خروجی لازم؛

به‌کارگیری قواعد و ابزار لازم در هر مرحله؛

چگونگی استفاده از قواعد استنباط در هر مرحله.

خلاصه آنکه روش استنباط، نقشه راه مجتهد از نقطه آغاز تا فرجام کار-را ترسیم می کند و الزامات هر وضعیت و نیازمندی‌ها و انتظارات آن را روشن می سازد و او را به ادامه مسیر و اقدامات مورد نیاز آگاه می کند.

روش شناسی استنباط، به شناسایی فرایند استنباط احکام شرعی می پردازد و دانش پژوهان فقه را از گام به گام حرکت و گذشته راه و آینده مسیر و ابزار و لوازم مورد نیاز و اقتضائات آن آگاه می سازد.

در اینجا لازم است اشاره شود بررسی فرایند استنباط می تواند دربردارنده دو فایده زیر باشد.

فایده اول: شناسایی خلأها

با ترسیم فرایند استنباط، می توان نقص‌ها، کمبودها و خلأهای قواعد استنباط را شناسایی کرد تا براساس نیازمندی‌های واقعی بتوان به توسعه علم اصول پرداخت.

بدیهی است تا زمانی که قواعد استنباط براساس نیازمندی مجتهد، مرتب نشود و مراحل حرکت استنباطی به صورت گام به گام مشخص نباشد و از اقتضائات و نیازمندی‌های هر مرحله بحث نشود، نقاط کمبود و خلأ در قواعد استنباط نیز شناسایی نخواهد شد.

فایده دوم: راهنمای جذاب و آسان

شناسایی فرایند استنباط، آموزش علم اصول را آسان و جذاب می سازد و به دانش پژوهان علوم دینی، نقش و تأثیر هر قاعده در استنباط و رابطه آنها با یکدیگر را به خوبی راهنمایی می کند و در نتیجه به فکر اصولی آنها انسجام می بخشد. تنظیم فلوجارت (شکل) های علم اصول تعامل بین بحث‌های اصولی و تقدم و تأخر آن را برای فراگیران آشکار می کند تا آنجا که در فقه به خوبی و با دقت بیشتری می توانند به اکتشاف حکم شرعی بپردازند.

کتاب «الگوریتم دانش اصول فقه» به بررسی فرایند استنباط براساس کتاب «اصول فقه» مرحوم مظفر^{رحمته} پرداخته است. این کتاب که نوشته دو فاضل ارجمند، حجج اسلام آقایان رضا میهن دوست و سید محمدباقر قدمی است در صدد ارائه فرایند استنباط برای دانش پژوهان علم اصول در مقطع سطح یک حوزه است و براساس «اصول فقه» مرحوم مظفر و در مواردی که مباحث کتاب اصول فقه ناکافی بوده براساس کتاب «الحلقه الثانیه» مرحوم شهید صدر^{رحمته} سامان یافته است.

این کتاب با هدف ارائه مدلی برای شناسایی فرایند استنباط، در اختیار دانش پژوهان اصولی قرار می‌گیرد تا سرانجام به آنها در فهم بهتر مسائل علم اصول و نقش و ارتباط مسائل با یکدیگر کمک کند. امیدواریم بیش از پیش شاهد گام‌های مؤثر و کارآمد در شناسایی فرایند استنباط و تنقیح آن و پُر کردن خلأهای موجود باشیم. از این رو مؤسسه پژوهشی «دانش‌وران» در نظر دارد سلسله‌نوشتارهایی در راستای روش‌شناسی استنباط در سطوح مختلف در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

ضمن تقدیر و تشکر از نویسندگان این اثر، از درگاه پروردگار متعال توفیقات روزافزون را برای ایشان آرزو مندم.

سزاوار است در طلایه این کتاب از فضایی که پیش از این در موضوع شناسایی فرایند استنباط تلاش‌های علمی شایسته‌ای داشته‌اند تشکر کنم و به آنان بشارت دهم که این نوشتار، ادامه راهی است که آنان پایه‌گذاری کرده‌اند.

حمید درایتی

مؤسسه پژوهشی «دانش‌وران»

درآمد

علم اصول فقه، از دیرباز در زمره دانش‌های اساسی در اجتهاد صحیح از کتاب و سنت بوده است. همچنین دانشوران اصول فقه شیعه، از تکوین و تاکنون بر طریق «تفریع فروع بر اصول» سعی تمام داشته‌اند با کشف و استنباط فقه اهل بیت علیهم‌السلام مسیرهای جدیدی را هم در عرصه پژوهش و هم آموزش بر رهجویان نشان دهند.

الگوریتم در اصطلاح به معنی ارائه روشی گام‌به‌گام برای حل مسئله است و این کتاب (الگوریتم دانش اصول فقه)، با نگاهی برخاسته از دانش اصول به تبیین الگوریتم‌وار مباحث اصولی می‌پردازد؛ نگاهی که به نظر می‌رسد ناخودآگاه در ذهن و ارتکاز اصولیان و فقها وجود داشته؛ اما به عللی که خواهد آمد کمتر بدان توجه شده است.

این نوشتار در پی ارائه محتوایی جدید نیست؛ بلکه محتوای موجود در کتب اصولی را با نگاه فرایندسازی برای استنباط ارائه کرده است.

از دیگر سو، این نوشتار، مکملی برای کتب آموزشی دانش اصول فقه نیز هست و می‌توان آن را حلقه واسطی بین دانش اصول و علم فقه برای استنباط برشمرد.

پیشینه

با توجه به اهمیت و فوایدی که بر تبیین الگوریتم‌وار بیان خواهد شد، نگاه به کلمات فقها و اصولیان از این زاویه اهمیت خواهد داشت. در بررسی کتب فقهی و اصولی مشخص می‌شود که در آنها بیشتر به استدلال‌ها و نظریه‌پردازی و تبیین مبانی اشاره شده است و گرچه از برخی کلمات ایشان بتوان شواهدی یافت؛ اما نسبت به فرایند استنباط به صورت متمرکز و شفاف، نشانی نداریم.

در کتب مربوط به فلسفه فقه نیز بیشتر به مبانی و مسائل ساختاری پرداخته شده است نه فرایندسازی دقیق استنباط.

در زمینه فرایندسازی استنباط می‌توان به کتاب «الگوریتم اجتهاد» نوشته حجت الاسلام مصطفی جلالی و پایان‌نامه سطح ۴ با عنوان «روش‌شناسی استنباط فقهی در سه محور مسئله‌شناسی، دلیل‌یابی و قرینه‌یابی» نوشته حجت الاسلام عبدالحمید واسطی اشاره کرد. کتاب «الگوریتم اجتهاد» روند کلی استنباط را بررسی کرده است؛ اما به خُرده‌فرایندهای استنباط پرداخته است. همچنین پایان‌نامه «روش‌شناسی استنباط فقهی» گرچه به خُرده فرایندها پرداخته است؛ اما همان‌طور که از عنوان آن بر می‌آید تنها سه محور استنباط را بررسی کرده است.

کتاب دیگر، «دروس فی منهجیة الاستنباط» نوشته سید عبدالکریم فضل‌الله است که محور این کتاب مانند دو اثر قبل تنها مرتبه جعل است؛ اما در جستار پیش‌رو، محور استنباط، مراتب حکم است که فرایند حکم و اجزای آن در مراتب جعل، فعلیت و تنجّز ذیل ۳۱ فلوجارت (شکل) صورت‌بندی و ترسیم شده است.

ساختار کتاب

این نوشتار در دو بخش (با چند زیرفصل) تدوین شده است:

بخش اول: کلیات

- فصل اول: مفهوم‌شناسی و ضرورت الگوریتم
- فصل دوم: پیش‌نیازها
- فصل سوم: روند کلی استنباط

بخش دوم: فرایند تفصیلی استنباط

- فصل اول: مسئله‌شناسی
- فصل دوم: دلیل‌شناسی
- فصل سوم: بررسی مرتبه جعل
- فصل چهارم: بررسی مرتبه فعلیت
- فصل پنجم: بررسی مرتبه تنجّز

در این فصل‌ها تبیین فرایند استنباط از دو زاویه با ارائه الگوریتم کلان و خُرده‌الگوریتم‌هایی صورت‌بندی شده است.

همچنین هر خُرده‌الگوریتم از چهار زاویه مهم بررسی شده‌اند:

اول) سؤالاتی که هر بخش بدان پاسخ‌گو است

این سؤالات درحقیقت اصلی‌ترین نقاط بحث‌اند که با مواجهه با آنها نقطه‌های اصلی بحث معلوم می‌شود.

با طرح این سؤالات و تلاش برای یافتن پاسخ، می‌توان از کاستی‌های اطلاعاتی آگاه گردید و مسیر استنباط را در هریک از بخش‌ها، قبل از ورود به آن ترسیم نمود.

دوم) گام‌های بررسی خُرده‌الگوریتم

این قسمت، بدنه اصلی بحث و در واقع مسیریابی و فرایندسازی استنباط است که با پیمودن این گام‌ها نتیجه استنباطی به دست خواهد آمد.

سوم) قواعد کاربردی

در این بخش، به قواعدی اشاره می‌شود که در هر بخش مؤثر بوده و قابل استخراج است. در واقع گام‌های تحلیلی، آمیخته‌ای از قواعد و گام‌های مسیریاب هستند که در این قسمت، این قواعد از این گام‌ها جداسازی شده و به صورت مستقل ارائه شده است.

چهارم) نمایش فلوچارت (شکل)

این قسمت مراحل به کارگیری قواعد اصولی را در روند بررسی خُرده‌الگوریتم‌ها ترسیم کرده است. پیشتر نیز اشاره شد که فلوچارت‌ها همان نمای تحلیلی فرایند هستند که در شکل‌های هندسی به صورت شفاف مسیرها را ارائه می‌کنند و می‌توانند به عنوان نقشه راه برای دسترسی آسان به مباحث، به کار گرفته شوند. در این اثر، ۳۱ فلوچارت (شکل) طراحی شده و عناوین آنها در انتهای کتاب، فهرست شده است.

ویژگی‌های این اثر

- فهم فرایندی و استنباطی یک دوره اصول فقه

چنان‌که گذشت، سعی این نوشتار بر ارائه مباحث اصولی با نگاه به فرایند استنباط است؛

لذا با این نگاه، اصولی که فهم و آموزش داده می‌شود اصول فقه کاربردی و فرایندی است.

• تقویت مهارت استنباط

با آموزش اصول فقه کاربردی و تنفس در این فضا قطعاً در هنگام استنباط، توجه به نقاطی منعطف می‌شود که در مباحث کاربردی مطرح شده است؛ بنابراین استنباط از قوام و دقت بیشتری برخوردار خواهد شد.

• ارائه آموزشی نوین از اصول فقه

با توجه به این نگاه و ارائه مباحث اصولی با نظر به استنباط، طبیعتاً چارچوب و تبویب مباحث رایج تغییر خواهد کرد و آموزش این تبویب، بابتی دیگر از نحوه آموزش دانش اصول را برای مدرّسان و سایر مخاطبان باز می‌گشاید.

الگوریتم پیشنهادی در سه سطح عمومی، متوسط و تخصصی ارائه می‌شود.

در سطح عمومی و به جهت تسهیل در امر آموزش، گزاره‌های این نوشتار براساس کتاب اصول فقه مرحوم مظفر^{رحمته} است؛ جز در دو موضع: یک در مواردی که نظر مرحوم مظفر^{رحمته} شاذ است؛ و دوم در مواردی که ایشان به مسئله نپرداخته‌اند؛ بنابراین در این دو موضع، از کتاب دروس فی علم الاصول الحلقة الثانية شهید صدر^{رحمته} استفاده شده است؛ اما ساختار کلی الگوریتم‌ها ابداعی و براساس نظر مؤلفان است. البته پیشنهاد می‌شود این نوشتار بعد از آموزش کتاب اصول الفقه مرحوم مظفر^{رحمته} به‌عنوان مکمل درسی در نظر گرفته شود.

از خداوند متعال استعانت می‌جوئیم تا توفیق تهیه محتوا برای دوره‌های تخصصی را نیز عنایت بفرماید.

بر خود فرض می‌دانیم از مساعدت‌های همه اساتید محترم، به‌ویژه استاد معظم حجّت الاسلام والمسلمین حمید درایتی زیدعزّه که همواره از راهنمایی‌ها و مشورت‌های ایشان بهره می‌بردیم و نیز حجّت الاسلام والمسلمین ابراهیم نیک‌دل زیدعزّه سپاسگزاری کنیم.

از دست اندرکاران محترم مؤسسه پژوهشی «دانش وران» که این اثر را به فرجام نیک رساندند، کمال تشکر را داریم. همچنین از نظرات سازنده خوانندگان و فضیلتی محترم در تکمیل و ادامه این گام استقبال می‌کنیم.

رضا میهن دوست و سید محمد باقر قدمی

مشهد مقدس، تابستان ۱۳۹۹

بخش اول کلیات

فصل اول: مفهوم‌شناسی و ضرورت الگوریتم

فصل دوم: پیش‌نیازها

فصل سوم: روند کلی استنباط

فصل اول:

مفهوم‌شناسی و ضرورت الگوریتم

این فصل، پاسخگوی سؤالات زیر است: 

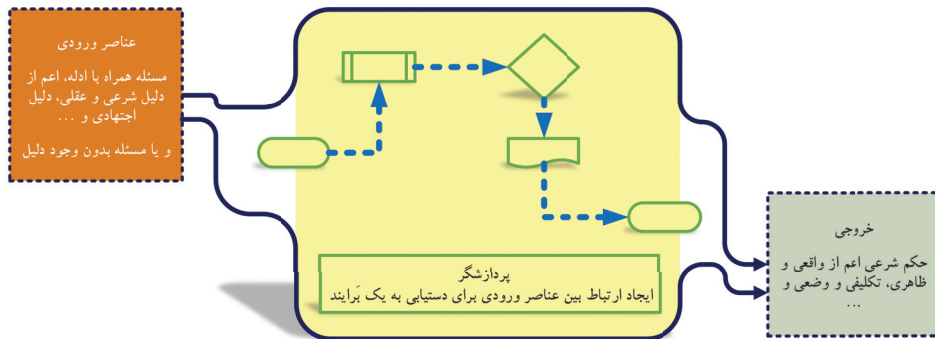
- نقش اصول‌فقه در الگوریتم‌سازی چیست؟
- الگوریتم چیست؟
- عوامل عدم شفافیت فرایند استنباط چیست؟
- فواید طراحی الگوریتم چیست؟

۱-۱- اصول فقه و ضرورت طراحی الگوریتم

رسالت اصلی علم اصول، فراهم‌سازی قواعد کلی استنباط فقهی است. فقیه در علم فقه با تطبیق این قواعد کلی بر آیات و روایات به استنباط حکم شرعی می‌پردازد.

وظیفه دیگری که علم اصول برعهده دارد و کمتر بدان پرداخته شده، فرایندسازی استنباط فقهی است. علم اصول قواعدی را که در فرایند استنباط نقش دارند، تبیین می‌کند و جایگاه آنها را نیز مشخص می‌نماید و مسیر و قدم‌هایی را که فقیه برای استنباط طی می‌کند از ابتدا تا انتها روشن می‌سازد.

به عبارتی دیگر، در علم اصول، دستگاه استنباط فقهی طراحی می‌گردد و فقیه با کمک آن به بررسی ادله می‌پردازد و احکام را استخراج می‌کند.



شکل شماره ۱: فرایند استنباط

علم اصول به قواعد تحلیل ادله شرعی و عقلی و تعیین وظیفه عملی در فرایند استنباط می‌پردازد. بنابراین باید از قواعدی بحث کند که نتیجه آنها در طریق استنباط حکم شرعی قرار بگیرد.

برای توضیح فرایند استنباط فقهی، همان‌طور که در شکل شماره ۱۱ مشاهده می‌شود، می‌توان عناصر اصلی مرتبط با استنباط را در سه محور پیگیری کرد: عناصر ورودی؛ عناصر خروجی و سپس عناصر استنباطی.

اول) عنصر ورودی استنباط؛ این همان مسئله‌ای است که محقق با آن مواجه است. اعم از اینکه در این مسئله، دلیلی وجود داشته باشد یا خیر. پس عنصر ورودی می‌تواند مسئله همراه با دلیل باشد و ممکن است مسئله بدون دلیل باشد.^۱

دوم) عناصر خروجی استنباط؛ که همان حکم شرعی است.^۲

سوم) عناصر استنباطی؛ این همان قواعد کلی است که علم اصول آنرا طراحی و فرایندسازی نموده است. درحقیقت، آنچه بین عنصر ورودی و خروجی، ارتباط ایجاد می‌کند و به تناسب ادله ورودی، خروجی مناسب ارائه می‌دهد، عنصر استنباطی یا همان دستگاه استنباط و پردازشگر است.

البته آنچه گفته شد به معنای عدم وجود عناصر دیگر در استنباط فقهی نیست بلکه مراد، نگاه کلی به فرایند استنباط است؛ زیرا علاوه بر قواعد اصولی، مباحثی مانند رجال، لغت و... نیز در استنباط به کار گرفته می‌شوند.

۱. این شکل از کتاب روش‌شناسی استنباط فقهی، استاد واسطی با کمی تغییرات برگرفته شده است، واسطی، حمید، روش‌شناسی استنباط فقهی، ص ۵۴.

۲. البته آنچه در علم اصول به عنوان دلیل عقلی مطرح شده است و به عنوان عنصر ورودی در استنباط قرار می‌گیرد، تنها درک عقلی حُسن و قبح است؛ اما قضایای عقلی دیگری مانند اجزاء که در اصول بحث می‌شوند، به عنوان عنصر ورودی نیستند بلکه از عناصر استنباطی و از بدنه تحلیل ادله احکام هستند.

۳. حکم و نتیجه استنباط گرچه خارج از فرایند است؛ اما تسامحاً به جهت نشان دادن تمامی مراحل فرایند ذکر شده است.

۱-۲- الگوریتم چیست؟

الگوریتم^۱ از روش‌هایی است که توسط دانشمندان اسلامی پایه‌گذاری شده است و امروزه مبنای علوم کامپیوتری است.^۲

اما الگوریتم در اصطلاح، فرایندهای متناهی برای حل نوعی از مسائل است؛ روشی که در آن به‌طور متوالی، یک فرایند پایه، برای حل مسئله تکرار می‌شود.^۳

آنچه در تعریف الگوریتم مهم است، توالی و گام‌به‌گام بودن حل مسئله است.

در علم اصول این فرایند، به‌صورت گام‌به‌گام از ابتدا تا انتها به‌صورت شفاف بیان نشده است؛ گرچه می‌توان آنرا از لابه‌لای کلمات به دست آورد؛ به نظر می‌رسد با نگاهی الگوریتم‌وار به علم اصول و فرایند استنباط، می‌توان فرایندهای کلان و خرد را در استنباط براساس دانش اصول فقه طراحی و شفاف نمود.

۱-۳- عوامل عدم شفافیت در الگوریتم اصولی

متناسب است به عواملی که موجب عدم شفافیت الگوریتم اصولی و فرایند استنباط در علم اصول شده است، اشاره نمود.

۱ . Algorithm

۲ . دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۲۳۳۰.

۳ . www.vajehyab.com/farhangestan//D%AV%D9%A4%DA%AF/D9/%/D%AB%DB/AC/D%AA/D9/A5 . ۳

یک) درهم‌تنیدگی استدلال‌ها و نظریه‌پردازی با کاربرد قواعد اصولی

آنچه در علم اصول بدان پرداخته می‌شود، آمیخته‌ای از چیستی و چرایی و چگونگی قواعد استنباط است. در علم اصول علاوه بر تبیین اصل قاعده، حدود، چگونگی و کاربرد آن، به استدلال‌ها و نظریه‌پردازی (چرایی قواعد) پرداخته می‌شود. پرداختن به چیستی و چرایی قواعد، مستقیماً اثر عملی در استنباط نخواهد داشت و آنچه مستقیماً در استنباط، اثر دارد، چگونگی قواعد اصولی است.

شاید این ادعا گزاف نباشد که در علم اصول، قواعد کلی از استدلال‌هایشان تفکیک نشده است و فضای رایج در اصول فقه موجود، استدلال و نظریه‌پردازی است و کمتر به چگونگی عملیاتی ساختن قواعد و شیوه به‌کارگیری آن، پرداخته می‌شود!

جهت تفکیک بین انواع عملیاتی که در علم اصول رایج وجود دارد، دو اصطلاح اصول فقه کاربردی و اصول فقه نظری را به کار می‌بریم.

اصطلاح اصول فقه کاربردی، برای تبیین چگونگی بکارگیری قواعد و جایگاه آن قواعد است؛ اما اصطلاح اصول فقه نظری، برای بیان چیستی، چرایی، تنقیح و استدلال بر آن قواعد است..

در اصول فقه کاربردی مستقیماً به استدلال‌ها و نظریه‌های اصولی توجه نمی‌شود؛ بلکه روند استنباط فقهی براساس یک نظریه - به‌طور مثال نظریه مشهور- پیگیری می‌شود و براساس پذیرش آن نظر، فرایندی که برای استنباط طی می‌گردد، تبیین می‌شود.